

**دفترچه راهنما برای
مقابله با تبلیغات میسیونری**

نوشته ربای بن صیون کراویتز

مدیر و بنیانگذار سازمان

JEWS FOR JUDAISM, International

www.jewsforjudaism.org

دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری
نوشته: ربای بن صیون کراویتز
از انتشارات:

JEWS FOR JUDAISM, International

ترجمه به فارسی: شیرین دخت دقیقیان
پاییز ۲۰۱۳ ایالات متحده آمریکا - لس آنجلس

چاپ اول

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

چاپخانه: Bay Printing - Bijan Hasid 310-989-7786

©JEWS FOR JUDAISM, International 2013

بها: رایگان

سپاس بی‌پایان از

دکتر مایر خاکشوری؛ ابراهیم سیمحایی؛ و فریماه و دیوید سیمانیاں که
دفترچهٔ راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری به همت آنان منتشر
شده است.

و

شیرین دخت دقیقیان که به صورت افتخاری این مجموعه را به فارسی
برگردانده است.

Acknowledgements:

Dr. Mayer Khakshouri; Abraham Simhayi; Farimah
and David Simanian for their generous support of the
of the Persian version's publication of:

THE COUNTER-MISSIONARY HANDBOOK

Shirin D. Daghighian for translating this handbook in
Persian Language

معرفی نویسنده



بن صیون کراویتز، صاحب‌نظر شناخته‌شده در زمینه‌های جدل‌های مربوط به الهیات یهودیت و مسیحیت، یکی از بنیان‌گذاران **JEWS FOR JUDAISM, International** و مدیر اجرایی شاخه لس‌آنجلس این سازمان است.

ربای بن صیون در نیویورک به دنیا آمد، در دانشگاه تگزاس، آستین، در رشته ارتباطات، مدرک لیسانس گرفت و سپس از کالج ربینیکال آمریکا فارغ‌التحصیل شد.

ربای کراویتز به عنوان مدرسی معتبر، برنامه‌های گوناگون در تلویزیون و رادیو داشته، در سراسر ایالات متحده آمریکا، شوروی سابق، آفریقای جنوبی، استرالیا و اسرائیل سخنرانی‌های متعددی اجرا کرده است. او با بیش از ۲۵ سال سابقه، یکی از موفق‌ترین بازده‌ها را در زمینه مشاوره دادن به یهودیان گرویده به فرقه‌ها و میسیونری‌ها در کل جوامع یهودی داشته است.

دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری

نوشته ربای بن سیون کراویتز

بنیان‌گذار و مدیر

JEWS FOR JUDAISM, International

بر اساس نظرخواهی‌های اخیر گلاپ و هریس، ۷۵ میلیون تن مسیحی فرقه "born again" [باز زاده] در آمریکای شمالی وجود دارند و بسیاری از آن‌ها بر این گمانند که برای تدارک بازگشت عیسی، ابتدا یهودیان باید به مسیحیت تغییر دین دهند. فرقه‌های مسیحی مانند Southern Baptist Convention که در سال ۱۹۹۶ قطعنامه‌ای برای هدف قرار دادن یهودیان برای تغییر دین تصویب کرد و نیز Assemblies of G-d و هزاران نوع مسیحیان دیگر در آمریکای شمالی، سالانه به گونه‌ای تهاجمی، ۳۰۰،۰۰۰ میلیون دلار برای تغییر دین دادن یهودیان به مسیحیت اوانجلیک، صرف می‌کنند. مسیحیان اوانجلیست برای جذب یهودیان، به اصطلاح "کنیساهای یهودی-مسیحی" برپاساخته‌اند. در آمریکای شمالی، شمار این‌گونه به اصطلاح "کنیساهای" در بیست سال اخیر از بیست به بالای پانصد واحد افزایش یافته‌اند.

میسیونری‌ها افراد به دام افتاده را متقاعد می‌کنند که آن‌ها یهودیانی کامل نیستند، مگر به عیسی همچون ماشیح ایمان آورده، بپذیرند که یک یهودی تنها پس از مسیحی شدن می‌تواند هویت یهودی خود را حفظ

کند. بر اساس تحقیقی از سوی Council of Jewish Federations پیرامون جمعیت یهودی در سال ۱۹۹۰ بیش از ۶۰۰،۰۰۰ یهودی در آمریکای شمالی خود را به این فرقه از مسیحیت وابسته می‌دانند. طی بیست و پنج سال گذشته، بیش از ۲۵۰،۰۰۰ یهودی در مناطق دیگر دنیا توسط میسیونرهای جذب‌شده‌اند که از روش‌های فریب‌دهنده "ربای‌های مسیانیک" در موعظه‌های انجیل استفاده می‌کنند. این به اصطلاح "ربای‌ها" در روزهای شبات و عید مقدس کلاه و شال یهودی می‌پوشند.

این گروه‌ها به طور عمده، کلیساهای اوانجلیک را زیر تأثیر خود گرفته، از آن‌ها می‌خواهند تا همین روش‌های فریب‌دهنده را اجرا نمایند. برای نخستین بار در تاریخ، از ورود یهودیان به کلیسا استقبال و به آن‌ها گفته می‌شود که می‌توانند هویت یهودی خود را حفظ کنند. سپس اعضاء کلیسا آن فرد یهودی را به "یهودی دیگری که خدا را پذیرفته" معرفی می‌کنند. این روش تغییر دین، تعداد افراد در تماس با یکدیگر را که مانند هدایتگر جریان میسیونری‌های "یهودی-مسیحی" عمل می‌کنند، افزایش می‌دهد تا آنان همدستان مسیحی خود را در محل کار، محیط‌های آموزشی و مراکز اجتماعی بسیج کنند.

برخلاف گمان عموم، تنها یهودیانی که از نظر عاطفی بی‌ثبات هستند به دام این تلاش‌های میسیونری‌ها نمی‌افتند، بلکه همه یهودیان در معرض آن می‌باشند. میسیونری‌ها اغلب کالج‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز بازپروری اعتیاد، سکونت‌گاه‌های سالمندان و فروشگاه‌های بزرگ در مناطق یهودی‌نشین و جوامع اسرائیلی، مهاجران روس و زوج‌های مختلط دینی را نشانه می‌روند. آن‌ها به عمد، متون مقدس یهود و متون تلمودی را به نادرستی نقل و تفسیر می‌کنند تا نشان دهند که عیسی هم ناجی موعود یهود و هم خدا بوده است. این روش آن‌ها در مشروعیت زدایی از یهودیت و در راستای سوءاستفاده از نمادهای یهودی و اشیاء مذهبی و

حتی موسیقی سنتی یهودی، برای گیج کردن فرد بالقوه در معرض تغییر دین و آسیب‌پذیرتر ساختن او انجام می‌شوند.

این گروه‌های میسیونری - با رقمی بیش از هزار واحد فقط در آمریکای شمالی - در تمام دنیا فعال هستند و می‌توان آن‌ها را در تقریباً هر مرکز یهودی‌نشین یافت. چندین هسته گرداننده این جریان، مانند The Union of Messianic Jewish Congregations of America و the Messianic Jewish Alliance of America عنوان‌های سیاسی برای خود ساخته و حتی در سازمان ملل متحد موقعیت "Observer" را کسب کرده‌اند. چندین گروه از این دست، مدارس روزانه Messianic Jewish و یشیواهایی را پایه گذاشته‌اند که فارغ‌التحصیل‌های آن‌ها با عنوان جعلی ربای مسیانیک تحلیف می‌شوند. در کشور اسرائیل بیش از ۱۰۰ واحد به اصطلاح "کنیسای مسیانیک" و دو یشیوای مسیانیک وجود دارد. این گروه‌ها منحصرأ برای افراد یهودی بدون تحصیلات، بدون همبستگی و غریبه شده با جامعه یهودی، دام می‌گذارند.

سازمان Jews for Judaism, International در پاسخ به این تهدید رو به رشد در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد. Jews for Judaism تنها شبکه امکانات عملی و ارتباط‌گیری تمام وقت در مقابله با اقدامات میسیونری‌ها در آمریکای شمالی است که در لس‌آنجلس، بالتیمور، شیکاگو، هریسبرگ، واشنگتن، فیلادلفیا، نیویورک، تورنتو و ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی نیز شعبه دارد. دو هدف عمده این سازمان، آموزش پیشگیرانه و بازگرداندن یهودیانی است که زیر تبلیغات میسیونری‌ها قرار گرفته‌اند.

سازمان Jews for Judaism این هدف‌ها را از راه مشورت دادن به "یهودی مسیحی" ها، زیر نظر داشتن فعالیت‌های میسیونری و حضور گروهی از سخنرانان و برگزاری دوره‌های آموزشی فشرده و مؤثر در آگاهی دهی پیرامون میسیونرها، به انجام می‌رساند. این سازمان که همچنین پیشگام

انتشار اطلاعات برای مقابله با میسیونری در سطح جهان است، اقدام به تولید نوشته‌ها و برنامه‌های شنیداری و دیداری خاص خود به زبان‌های انگلیسی و روسی کرده است. ما همچنین در شبکه زیر دارای یک تارنما هستیم:

www.jewsforjudaism.org

بهترین پادزهر اقدامات فرقه‌های میسیونری‌های "Hebrew Christian" آن است که جوامع یهودی آموزش ببینند. سازمان Jews for Judaism چندین برنامه دارد که طی آن‌ها به چگونگی و گسترش تلاش‌ها برای تغییر دین یهودیان و نیز روش‌های مقابله با آن‌ها پرداخته می‌شود. این دوره‌های آموزشی آگاهی نسبت به شگردهای میسیونری‌ها را افزایش می‌دهند؛ از جمله سفسطه‌ها و فریب میسیونری‌ها در معرفی نادرست یهودیت.

یهودیان، اغلب از سوی میسیونری‌ها گیج شده، به انحراف کشیده می‌شوند. دانستن این امر برای یهودیان بسیار اهمیت دارد که استدلال‌های این گروه به اصطلاح «یهودی-مسیحی»، از جمله پذیرفتن عیسی به عنوان تکمیل یهودیت، دارای چه انحراف‌های سفسطه آمیزی است. هر چند بیشتر یهودیان می‌دانند که ما عیسی را به عنوان «ناجی موعود» قبول نداریم، اما عده اندکی از آن‌ها قادر به توضیح دلایل آن هستند.

سازمان Jews for Judaism به این منظور، برنامه‌هایی جهت دسترسی به دانشگاه‌ها، جوامع یهودیان روسی و به اصطلاح "یهودی-مسیحی‌ها" دارد. مشاوره به افرادی که خواستار خروج از این فرقه‌های "یهودی-مسیحی" هستند، موجود می‌باشد. بر این اساس که چنین فردی اطلاعات کافی در زمان تصمیم‌گیری نداشته، استدلال‌های یهودیت در مقابله با تبلیغات

مسیحی در اختیار او گذاشته می‌شود. برخی از شعبه‌های سازمان ما گروه‌های حمایتی تشکیل داده‌اند جهت آگاهی و انگیزه دهی به افراد و خانواده‌هایی که مورد هدف‌گیری میسیونری‌ها و فرقه‌ها قرار گرفته‌اند.

سازمان Jews for Judaism چه اندازه موفق بوده است؟ اگر یک تغییر دین داده یا فرد در معرض آن، مایل به شنیدن نقطه‌نظرهای یهودیت باشد، بین ۶۰٪ تا ۷۰٪ این احتمال هست که به یهودیت بازگردد. بیشتر این افراد، جلسه‌های مشاوره‌ی ما را با ذهنیتی ترک می‌کنند که گویی دوباره و به صورت زنده به میراث یهودیت جلب شده‌اند. اگر مایل به دریافت اطلاعات بیشتر، گرفتن وقت ملاقات با یک سخنگو و یا برقراری یک جلسه‌ی مشورتی هستید، لطفاً با هر یک از دفترهای Jews for Judaism که در پایان این دفترچه‌ی راهنما فهرست شده‌اند، تماس بگیرید.

سماجت در تغییر دین دادن یهودیان

در طی دهه‌ی اخیر، شاهد افزایش هشداردهنده‌ی نفوذ مسیحیت اوانجلیک بوده‌ایم. این رشد، همراه بوده با افزایش فوق‌العاده‌ی فعالیت میسیونری که یهودیان را جهت تغییر دین هدف گرفته است. بودجه‌ی سالانه‌ی یکی از این گروه‌های Jews for Jesus حدود ۱۲ میلیون دلار است. بیش از ۶۰۰ گروه میسیونری فعال برای تغییر دین یهودیان، سالانه افزون بر ۲۰۰ میلیون دلار صرف برنامه‌های خود می‌سازند. آن‌ها صدها میسیونری تمام وقت، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی را حمایت کرده و بیش از ۲۵۰ کنیسیای مسیانیک تأسیس نموده‌اند که تلاش در یهودی نشان دادن خود دارند، ولی در حقیقت، مسیحی هستند.

شگردهای میسیونری‌ها برای دامن زدن به تغییر دین

این گروه‌ها سه شگرد فریبکارانه برای جذب یهودیان دارند: نخست می‌گویند که یک یهودی می‌تواند یهودی بودن خود را حتی پس از تغییر دین حفظ کند. دوم، آن‌ها مکرر به نفع هدف‌های خود از متون مقدس یهودی و متون تلمودی، مواردی را نابجا نقل، ترجمه یا تفسیر می‌کنند. سوم، از راه این ادعا که مسیحیت تنها راه روحانی به سوی خدا و رستگاری است، در مشروعیت زدایی از یهودیت می‌کوشند.

افزون بر این، بسیاری از گروه‌های میسیونری شگردهای ترساندن و مطیع سازی را جهت خالی کردن دل افراد نسبت به گفتگو با ربای‌ها به کار برده، از آن طریق، این افراد را از فرصت شنیدن استدلال‌های مخالف خود باز می‌دارند.

چنین شگردهای فریب دهنده‌ای از دید یهودیان و غیر یهودیان قابل اعتراض هستند. از میان گروه‌های مسیحی متعددی که در فضاهای عمومی، جریان‌های به اصطلاح "یهودی-مسیحی" را محکوم کرده‌اند، می‌توان از این گروه‌ها نام برد:

The Episcopal Bishops of Maryland; The Archdiocese of Harrisburg, PA; The National Conference of Catholic Bishops, Washington D.C.; The Campus Ministry Board at American University in Washington, D.C., The National Conference of Christians and Jews (Southern California Region); The Interfaith Conference of Washington, D.C [گروهی شامل کلیسای کاتولیک رم و نیز کلیسای باپتیست و گروه‌های پروتستان].

ابعاد این معضل

با وجود محکوم‌سازی گسترده، تلاش گروه‌های "یهودی-مسیحی" از موفقیت هشدار دهنده‌ای برخوردار بوده است. بنا به نشریه مسیحی **کاریزما**: «شمار روزافزون یهودیانی که طی ۱۹ سال اخیر، عیسی را به

عنوان ناجی یهود پذیرفته‌اند، از همین تعداد در طول ۱۹ قرن گذشته بیشتر بوده است» [که شامل تغییر دین‌های اجباری در شرایط اضطراری مانند مورد مارانوهای دوران تفتیش عقاید اسپانیا نمی‌شود]. بیشتر منابع موثق می‌گویند که بیش از ۲۵۰،۰۰۰ یهودی تغییر دین داده به "یهودی - مسیحی" در سراسر دنیا وجود دارد.

در تلمود [رساله سنهدرین ورق ۳۷، صفحه اول] آمده که: «هرکس که روح یک ممنوع را نجات دهد، مانند آن است که تمام بشریت را نجات داده باشد». این متن، بر روی اهمیت کمک به تک تک افراد تأکید دارد. حتی اگر یک فرد یهودی گمراه شود، ما به این امر، اهمیت بسیار می‌دهیم. اگر این اهمیت را ده‌ها هزار برابر کنید، لزوم توجه ما بسی بیش از آن خواهد بود.

"اول خطاب به یهودی"

بسیاری از مردم درباره گروه میسیونری "Jews for Jesus" شنیده‌اند، ولی از گروه‌های تبلیغی چون "بودائی‌ها برای عیسی" یا "هندوها برای عیسی" خبری نیست. آشکارا مسیحیان اوانجلیک، در میان پیروان همه ادیان، بیشترین وسواس را نسبت به تغییر دین دادن یهودیان دارند. برای تشریح این وسواس تاریخی، دلایل الهیاتی و روانی وجود دارند.

وسواس تاریخی تغییر دین دادن یهودیان

انجیل مسیحی، «نخست خطاب به یهودیان و یونانیان است» [رومیان ۱:۱۶]. مسیحیان بنیادگرای اوانجلیست این گفته را چنین گونه تفسیر می‌کنند که هدف آن‌ها تغییر دین دادن همه و در درجه اول، یهودیان است.

بسیاری از مسیحیان بنیادگرا معتقدند که یهودیان کلید آوردن "بازگشت دوباره عیسی" و رستگاری تمام بشریت هستند. آن‌ها برای اثبات این نظر، از بخش‌هایی از انجیل‌ها سود می‌جویند، از جمله: «رستگاری از یهودیان برمی‌خیزد» [یوحنا ۲۲:۴]؛ «شما [یهودیان] مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویند: متبارک باشد او [عیسی] که به نام خدا می‌آید» [انجیل متی ۲۳:۳۹].

برخی معتقدند که بازگشت عیسی بستگی به تغییر دین ۱۴۴,۰۰۰ یهودی دارد [بر اساس فصل هفتم مکاشفه یوحنا] و به این که باقی یهودیان در تسویه حسابی که با بازگشت عیسی همراه خواهد بود، ناپود شوند. به بیان ریچارد یائو، یکی از بنیادگرایان غیر یهودی سابق: «نکته آزاردهنده در این مورد آن است که میلیون‌ها نفر در این کشور دارند به چنین فکری عادت می‌کنند که اشکال ندارد اگر میلیون‌ها میلیون یهودی در هالاکاست وحشتناکی از این دست بمیرند، زیرا چنین رویدادی لازمه بازگشت عیسی است. به نظر من این بسیار بسیار ترسناک است».

وسواس روانی

از آن جا که از نظر منشأ، مفهوم ناجی Messiah منحصرأ یک مفهوم یهودی است، رد ناجی بودن عیسی توسط یهودیان، همواره برای کلیسای مسیحی یک ناسازه و دشواره جدی بوده است. بنابراین، از نظر بسیاری از بنیادگرایان اوانجلیست، هر یک یهودی تغییر دین داده به مسیحیت، تأییدی می‌شود بر دین آن‌ها.

طی قرن‌ها، پاسخ مسیحیت به رد عیسی همچون ناجی توسط یهودیان، پیگرد و آزار مردمان یهودی بوده است. این پیش‌داوری توسط بخش‌هایی از انجیل‌ها به این‌گونه‌ها بیان شده است:

«شما [یهودیان] پدر شیطان هستید» [یوحنا ۸:۴۴].

«خدا از یهودیانی که عیسی و پیامبران را کشتند و ما را بیرون راندند، خوشش نمی‌آید» [I Thessalonians ۲:۱۵]

«... همه مردم [یهودیان] پاسخ داده، گفتند خون او به گردن ما و فرزندان ما باشد...» [انجیل متی ۲۷:۳۵].

بیشتر بنیادگرایان استدلال می‌کنند کسانی که تدارک قساوت‌های تاریخی در حق یهودیان را دیده‌اند، مسیحی حقیقی نبوده‌اند. ولی بنا به نظر بسیاری از تاریخ‌نگاران، درست همین سخنان انجیل، مسئول ایجاد فضایی است که چنین فجایعی در آن‌ها ممکن شدند. [برای خواندن تحلیل عمیقی در این زمینه به کتاب ریشه‌های مسیحی آنتی سمیتیزم در فهرست انگلیسی متون پیشنهادی برای مطالعه در همین دفترچه، رجوع فرمایید].

امروزه، پس از گذشت ۲۰۰۰ سال از رد عیسی همچون ناجی توسط یهودیان، دشواره همچنان پابرجاست. مسیحیان بنیادگرا به دلیل همین نیاز شدید الهیاتی و روانی برای تغییر دین دادن یهودیان است که میلیون‌ها دلار صرف گسترش شگردهای جدید، پیچیده و گمراه‌کننده برای تغییر دین دادن یهودیان کرده‌اند.

مقوله یهودی - مسیحی Hebrew-Christian

ناسازه یا یک واقعیت دینی؟

بسیاری از افراد در اثر سفسطه‌های "یهودی-مسیحی‌ها" دچار سر در گمی بوده، از پاسخ یهودیت به ادعاهای آن‌ها بی‌خبرند. ادعاهای این فرقه از این قرارند:

۱- یهودیان با تغییر دین می‌توانند هویت یهودی خود را حفظ کنند.

۲- توراہ [تورات به معنای پنج کتاب موسی و کتب انبیاء] پر است از اشاره‌ها به عیسی.

۳- رستگاری روحانی و رابطهٔ فردی با خدا- تنها از راه عیسی ممکن است.

۴- معجزه‌ها صحت مسیحیت را اثبات می‌کنند.

۵- باور مسیحیان به سه‌گانه بودن الوهیت، مورد تأیید یهودیت است.

امید ما به آن است که دیدگاه یهودیت با بررسی هر یک از این ادعاهای گمراه‌کننده و ارائهٔ پاسخ یهودیت به آن‌ها، به روشنی فهمیده شود.

ادعای اول:

«یهودیان با تغییر دین می‌توانند هویت یهودی خود را حفظ کنند.»

مسیونری‌ها در اقدام برای تغییر دین دادن یهودیان ادعا دارند که فرد تنها زمانی می‌تواند یهودی بماند که به دین مسیحیت عمل کند. استفاده از واژگانی مانند "یهودی مسیانیک" [موعود گرا] یا "یهودی - مسیحی" و یا "یهودی برای عیسی" Jews for Jesus چیزی نیست جز تلاشی فریبکارانه برای نام نهادن روی یهودیان تغییر دین داده [دفترچه‌های راهنمای مسیونری استفاده از واژهٔ مؤمن را بر مسیحی، واژهٔ ماشیح به جای عیسی، واژهٔ درخت به جای صلیب و عهد جدید به جای انجیل را ترجیح می‌دهند، زیرا القاگر پیام شبه یهودی هستند].

در واقع، مسیونری‌ها از این فراتر رفته، چنین ادعا می‌کنند: یک یهودی که عیسی [به قول آن‌ها یسوعا] را می‌پذیرد، یک یهودی کامل است؛ بدان معنا که دیگر یهودیان، ناقص هستند.

مفاهیم غلط و فریب‌دهنده در تلاش برای پوشاندن حاد بودن تغییر دین یک یهودی به مسیحیت، در استفادهٔ گمراه‌کننده از نمادها و رسوم یهودی، جعل متون یهودی و اطلاعات ساختگی پیرامون پیشینه و

تحصیلات یهودی تغییر دین دادگان، بازتاب می‌یابند. برخی "یهودی - مسیحی" ها حین وانمود به یهودی بودن، یهودیت تلمودی [ربینیک] را یک فرقه معرفی می‌کنند، زیرا به نظر آن‌ها یهودیت تلمودی، «کلام انسان‌ها و نه خدا را دنبال می‌کند». این نظر نه تنها غلط که ریاکارانه نیز هست، زیرا یهودی - مسیحی‌ها همین سنت‌های ربینیک و رسوم آن‌ها را به کار می‌گیرند تا پوششی یهودی به اقدامات خود بدهند.

شمار زیادی از رهبران یهودی - مسیحی در کمال عدم صداقت، خود را "ربای" و مکان این فعالیت‌ها را "کنیسا" می‌نامند.

هدف شگردهای یادشده، توجیه این نسخه از مسیحیت برای یهودیان در معرض تغییر دین است. ولی به گفته یکی از چندین گروه مسیحی که اقدامات این گروه‌ها را محکوم می‌کنند: «این شگردهای تغییر دین، مساوی روش‌های تغییر دین اجباری و زیر فشار بوده و باید محکوم شوند» [Interfaith Conference of Metropolitan Washington, D.C.]

پاسخ یهودیت

نام "یهودی-مسیحی" با وجود تلاش‌های ساختگی برای القای یهودی بودن، واژه‌ای ناقض خود و بر پایه الهیاتی سراسر تناقض است.

به اصطلاح یهودی - مسیحی‌ها استدلال می‌کنند که: «فرد یهودی به دنیا آمده هرگز ممکن نیست حق مادرزاد و میراث خود را از دست دهد». ولی تورا نشان می‌دهد که ایمان شما، هویت یهودی شما را تعیین می‌کند و فرد یهودی به دنیا آمده ممکن است به طور موقت، سزاوار نام یهودی نباشد.

بر اساس کتاب پادشاهان، الیا هو هناوی فرستاده شده بود تا آن دسته از یهودیان را که به پرستش خدای دروغین بعل می‌پرداختند، بازگرداند. در

کتاب اول پادشاهان ۱۸:۲۱ الیاهوی نبی خطاب به آنها می‌گوید: «تا کی می‌خواهید بین دو باور نوسان کنید؟ اگر خداوند، خداست، او را دنبال کنید و اگر بعل چنین باشد، او را». به بیان دیگر، شما یا می‌توانید یک یهودی باشید و یا یک پرستندهٔ بعل. نمی‌توانید هر دو باشید. این روایت نتیجه می‌گیرد که یهودی‌ای که راه‌های بت پرستی سابق خود را رها کند، به یهودیت باز می‌گردد.

از این روایت، درس بسیار مهمی می‌گیریم: یک یهودی که به دین دیگری درآمده، تنها از این دیدگاه هنوز یهودی است که وظیفهٔ تشووا و بازگشت به یهودیت بر دوش او قرار دارد. ولی تا زمانی که باورهای او بت پرستانه و بیگانه با یهودیت هستند، نمی‌تواند خود را یک یهودی بنامد [آشکارا یک یهودی که به آموزه‌های دین خود عمل نمی‌کند، فرق دارد با یهودی که به انتخاب خود، راهی بیگانه با خدا-ای یگانه را دنبال می‌کند].

توراه به ما می‌آموزد که به یهودیان و غیریهودیان، راه‌های متفاوت برای رسیدن به خدا- داده شده است. یک یهودی موظف به پیروی از توراه است، ولی یک غیر یهودی [برای قرار داشتن در مسیر خدا-] باید هفت قانون فرزندان نوح را رعایت کند. برای جزئیات بیشتر پیرامون هفت قانون فرزندان نوح، در فهرست انگلیسی متون پیشنهادی برای مطالعه، نگاه کنید به: *The Path of the Righteous Gentile*.

هیچ یک از این دو گروه بهتر از گروه دیگر نیست و تنها متفاوت باهم به شمار می‌روند؛ بنابراین، برخی باورها و اجرای برخی دستورها مانند خوردن گوشت خوک برای غیریهودیان مجاز است، ولی برای یهودیان مجاز نیست. باورهای مسیحی پیرامون خدا-، رستگاری و ناجی یا Messiah برای یهودیان ممنوع می‌باشند.

از این رو اصطلاح‌های "یهودی مسیانیک" یا "یهودی-مسیحی"، تناقض

مطلق به شمار می‌روند.

ادعای دوم:

«توراه پر است از اشاره‌ها به عیسی»

فرقهٔ یهودی-مسیحی بر این گمان است که عیسی ناجی یهود بوده و از این رو تلاش در اثبات آن به کمک نقل قول از متون توراه دارند. چنین نقل قول‌هایی ممکن است برای کسی که شناخت گذرایی از یهودیت داشته، هیچ تسلطی بر زبان عبری ندارد، جالب، برنده و گیج‌کننده به نظر آیند.

پاسخ یهودیت

۱- متون به اصطلاح "شاهد" تنها از آن رو اشاره به عیسی را القا می‌کنند، که به طرز نادرست نقل، ترجمه یا استخراج شده اند. مثال‌های زیر، این امر را نشان می‌دهند:

هر متنی که غلط ترجمه شده یا خارج از پیش‌زمینه برداشت شود، می‌تواند به کار القای معنایی بیاید که هرگز قصد آن نبوده است. برای نمونه، عیسی در انجیل لوقا ۱۴:۲۶ چنین می‌گوید: «اگر کسی نزد من بیاید و از پدر و مادر و برادر و خواهر و فرزندان و حتی از زندگی خود نفرت نداشته باشد، نمی‌تواند مرید من باشد».

یک خوانش ابتدایی از متن، این برداشت را می‌دهد که فرد باید از خانواده و حتی خود نفرت داشته باشد تا بتواند یک مسیحی باشد. ولی هر مسیحی در برابر خوانش لفظی این متن با آن مخالفت کرده، موضع دفاعی گرفته و اصرار می‌ورزد که متن چنین معنایی ندارد و تنها این‌گونه به نظر می‌آید. او در رد این برداشت استدلال خواهد کرد، زیرا خارج از

پیش‌زمینهٔ مربوطه و با ترجمه و تفسیر غلط ارائه شده است.

این درست همان سخنی است که ما در مورد ادعاهای میسیونری می‌گوییم. این که یک آیه چه می‌گوید و چه معنایی دارد، در پیش‌زمینه‌های نابجا می‌تواند به کلی معنای دیگری بدهد.

به همین ترتیب، وقتی یک میسیونری آیه‌ای از متون مقدس یهودی را نقل می‌کند، ابتدا خواننده باید اطمینان پیدا کند که نقل‌قول در پیش‌زمینهٔ درست و مربوط به آن نقل شده است. برای نمونه: مزامیر داوود ۲۲:۱۷ در ترجمه‌ای درست این‌گونه خوانده می‌شود: «آن‌ها مانند شیر دست‌ها و پاهای مرا بستند»؛ اشاره به داوود پیامبر که دست و پایش از سوی دشمنان او که بارها به شیر تشبیه شده‌اند [مانند مزامیر ۷ و ۱۷ - واژهٔ ka'ari به معنای دقیق «مانند شیر» در همان معنا در یشعیا ۳۸:۱۳ به کار رفته] بسته‌شدند. ولی در خوانش خارج از پیش‌زمینه و با ترجمهٔ غلط می‌تواند خوانده شود: «دست‌ها و پاهای مرا میخ کردند». در متون مسیحی به عمد این‌گونه آمده تا عیسی را تداعی کنند [به صلیب کشیده شدن].

این نمونه، تنها یکی از چندین و چند آیهٔ تحریف و غلط ترجمه‌شده توسط میسیونری‌ها برای رسیدن به اهداف آنان را نشان می‌دهد. یهودیت برای تک‌تک این موارد، توضیح دقیق دارد. قاعدهٔ اصلی این است که همیشه پرسیده شود: «آیا این آیه‌ها در همان پیش‌زمینهٔ اصیل خود و با ترجمه‌ای درست ارائه شده‌اند؟» با کمال تأسف، بیشتر یهودی - مسیحی‌ها این تفسیر مسیحیان را بدون اطلاع یا فهم کامل دیدگاه یهودیت، کورکورانه می‌پذیرند.

صدها یهودی - مسیحی پس از بررسی گفته‌های هر دو طرف با ذهنی باز، به سوی یهودیت بازگشته‌اند.

۲- میسیونری‌ها اغلب انجیل را به عنوان اثبات این امر می‌آورند، حال آن که رویدادها و نبوت‌ها در متن انجیل، تحقق خود را بر اساس همان متن‌های بد ترجمه‌شده اثبات می‌کنند. ولی برای کسی که با توراه آشنایی دارد، آشکارا ادعای تهاجمی بی‌نقص بودن انجیل، قابل تردید است. نمونه‌های زیر را در نظر بگیرید:

الف- در سه جای توراه [پیدایش ۲۷:۴۶؛ خروج ۵:۱؛ و تثنیه ۲۲:۱۰] آمده است که پدر ما یعقوب با ۷۰ نفر به مصر رفت. *رساله اعمال رسولان* ۷:۱۴ این رقم را به اشتباه ۷۵ اعلام می‌کند.

ب- *رساله عبرانیان* ۱۳-۸:۸ می‌گوید که خدا عهد خود با یهودیان را به «عهد جدیدی» تبدیل کرد، زیرا یهودیان، عهد قدیم را نگه نداشتند و خدا دیگر مراقب آن‌ها نیست. ولی متن عبری اصیل آن در یرمیاى نبی ۳۱:۳۲ به گونه‌ای که در مجموعه توراه آمده، نمی‌گوید که خدا مراقب آن‌ها نیست، بلکه می‌گوید «برای آن‌ها همسر باقی ماند». برخی از مسیحیان، ترجمه خود را این‌گونه تفسیر می‌کنند که خدا عهد خود را شکست و قوم یهود را طرد کرد. این امر یکسره در تناقض است با متن توراه که بر اساس آن دستورها تا ابد پا برجا هستند [مزامیر داوود ۱۵۲-۱۱۹:۱۵۱] و این که خدا قول داد تا برای ابد، عهد خود با یهودیان را نشکند [داوران ۲:۱ و لاویان ۴۵-۴۴:۲۶].

بر اساس توراه، عهد اصیل خدا جاودانی است و یهودیان موظف به حفظ آن هستند. اختیار آزاد به آن‌ها این امکان را می‌دهد که میان رعایت و سرپیچی یکی را برگزینند. تجدید عهدی که یرمیاى نبی از آن نام می‌برد، جایگزین عهد اصیل نمی‌شود، بلکه آن را تحکیم می‌کند. در دوران ناجی حقیقی، خدا به ما "قلب جدیدی" [خودآگاهی روحانی جدیدی] می‌دهد که به کمک آن وسوسه انجام کار شرارت آمیز از میان می‌رود. از آن لحظه به بعد، یهودیان خدا را خدمت خواهند نمود و قلب

آن‌ها هرگز عهد اصیل را نخواهد گسست [بر اساس یرمیا‌ی نبی - ۳۲:۳۸ و ۴۰ و حزقیال نبی ۲۰-۹:۱۱].

مسیحیان بنیادگرا متون مقدس یهود را متون وحی، بی‌نقص، کلام خدا و زیربنای انجیل می‌دانند. آن‌ها اگر منطقی منسجم را دنبال می‌کردند، باید می‌دانستند هر بار که میان آن چه انجیل می‌گوید با کلام تورا تناقض وجود دارد، آشکارا این انجیل است که باید متن اشتباه ارزیابی شود.

ادعای سوم

«رستگاری روحانی و رابطه فردی با خدا تنها از راه عیسی ممکن است»

مسیحیونری‌ها ادعا دارند که بدون اعتقاد به عیسی هیچ رستگاری از گناه یا امکان رابطه فردی با خدا وجود ندارد. به ویژه در مورد یهودیان این دلیل را می‌آورند که یهودیان همواره به خون قربانی برای رستگاری از گناه نیاز داشته‌اند. از آن جا که قربانی دادن پس از خرابی معبد دوم منسوخ شد، آن‌ها ادعا می‌کنند که امروز، یهودیان تنها از راه اعتقاد به عیسی که «بر روی صلیب مرد و خون خود را همچون خون قربانی نهایی ریخت»، می‌توانند به رستگاری از گناه برسند.

پاسخ یهودیت

این مفهوم که یهودیان بدون اجرای قربانی چارپایان نمی‌توانند برای گناهان خود طلب بخشش کنند، نشانه یک تفسیر به شدت غلط از تورا است.

قبل از هر چیز، قربانی‌ها تنها برای گناهان غیرعمد داده می‌شدند [لاویان ۴:۱]، همچون وسیله‌ای برای انگیزه دادن به افراد برای اجرای تشوای حقیقی. [توضیح مترجم: بازگشت به خدا شامل بازنگری اعمال، افکار و

گفتار؛ پوزش خواهی از دیگری؛ جبران با دیگری؛ تکرار نکردن همان عمل، فکر، گفتار یا انگیزش شر در موقعیت مشابه و اجرای میسواهای توراها]. چندین بخش از کلام هوشع در باب ۱۴ به ما می‌گویند که امروز دعاهای ما جای قربانی را می‌گیرند. افزون بر این، آمده است: «قربانی‌های خدا - روحی شکسته و قلبی خاضع است [مزامیر داوود ۱۷-۵۱] «و من به احسان میل دارم و نه به قربانی‌ها و بیشتر به شناخت خدا - تا قربانی‌های سوختنی [هوشع ۶:۶]». توراها به ما می‌آموزد که هر فرد از راه تشووا، دعا، روزه و انجام کارهای درست، توانایی بازگشت به خدا - را دارد.

این مفهوم به زیبایی در کتاب‌های یونا و استر آمده: زمانی که یهودیان و غیر یهودیان تشووا نموده، به درگاه خدا - دعا کردند، گناهان آن‌ها بدون قربانی دادن، بخشوده شد.

رابطه فردی با خدا - به ما اجازه می‌دهد که هر زمان، چنان چه در ملاخی ۳:۷ آمده، «به من بازگردید و من به شما بازخواهم گشت»؛ نیز در حزقیال نبی ۱۸:۲۷: «وقتی شرور از شرارت خود دست کشیده، آن چه درست و خیر است انجام می‌دهد، حیات روح خود را نجات می‌دهد».

سلیمان نبی می‌گفت که هدف اصلی بشریت، ایمان داشتن به خدا - و رعایت دستورهای اوست، چنان چه در جامعه سلیمان ۱۴-۱۳:۱۲ آمده: «وقتی همه چیز گفته و انجام شد، پایان سخن آن است که: هیبت خدا - را به دل داشته باش و دستورهای او را به جا بیاور، زیرا این، کل غایت انسان است.» سفر تثنیه ۱۴-۱۱:۳۰ به ما می‌آموزد که راه خدا - بی‌چون و چرا در دسترس ماست.

ادعای چهارم

«معجزه‌ها صحت مسیحیت را اثبات می‌کنند»

برخی از به اصطلاح یهودی - مسیحی‌ها استدلال می‌کنند که بازگشت به سوی عیسی زندگی آن‌ها را دگرگون ساخته و در نتیجه آن، حتی معجزه‌هایی تجربه کرده‌اند.

پاسخ یهودیت

ادعای تجربه کردن معجزه‌ها در زندگی فرد، منحصر به هیچ یک از ادیان نیست. گرویدگان به فرقه‌ها و ادیان دیگر نیز تجربه‌ها و رویدادهایی معجزه‌آمیز از زندگی خود نقل می‌کنند. تورا هشدار می‌دهد که آن چه به نظر، معجزه‌های زندگی می‌آید، در واقعیت، می‌تواند آزمونی از سوی خد-ا باشد. نمونه‌ای بارز از این امر را در ابتدای باب ۱۳ سفر تثنیه می‌یابیم:

«اگر پیامبری یا خواب بیننده‌ای برخاسته به شما نشانه یا اعجازی نشان دهد و آن نشانه و اعجاز تحقق یابد و سپس بگوید اینک به پرستش خدایان ناشناخته بپردازیم، نباید به کلام آن پیامبر یا خواب بین گوش دهید، زیرا خد-اوند، پروردگار تو را به آزمون گذاشته تا ببیند آیا خد-اوند، خد-ای خود را با تمام قلب و تمام روح خود دوست داری؟ تو باید خد-اوند، خد-ای خود را دوست بداری و هیبت او را به دل داشته باشی؛ و باید به صدای او گوش دهی و او را خدمت کنی و به او متصل باشی [تثنیه ۶-۱:۱۳].»

این آیه‌ها به ما می‌آموزند که خد-ا ممکن است به پیامبری دروغین امکان اجرای معجزه‌هایی را بدهد تا ما را به آزمون گذاشته، ببیند آیا خواسته او را دنبال می‌کنیم یا با رویدادهای به اصطلاح معجزه‌آمیز، گمراه می‌شویم. همچنین در سفر خروج ۷:۱۱ می‌بینیم که معجزه‌ها الزاماً نباید به خد-ا نسبت داده شوند. در این بخش، فرعون به جادوگران دربار خود دستور

می‌دهد که از راه جادوهایی که در اختیار دارند، معجزه‌های موسی و هارون را تقلید کنند. این دو نمونه نشان می‌دهند که ما نمی‌توانیم به معجزه‌ها تکیه کنیم و آن‌ها را اثبات درستی باورهای خود بدانیم.

ادعای پنجم

«باور مسیحیان به سه‌گانه بودن الوهیت مورد تأیید یهودیت است»

زیربنای الهیات مسیحی، شامل باور به تجسید خد-ا [جسم یافتن] و وجود خدا در قالب سه‌گانه یا تثلیث است. میسیونری‌های یهودی - مسیحی مدعی می‌شوند که این اصل جزمی یکسره در همخوانی با یهودیت است.

پاسخ یهودیت

چنان چه پیشتر گفته شد، یهودیت بر آن است که برخی باورها شاید برای غیریهودیان مجاز باشد، ولی برای یهودیان نیست. الهیات مسیحی پیرامون خد-ا یک نمونه از باورهایی است که بر اساس توره، برای یهودیان مطلقاً ممنوع است؛ چنان چه در منابع توراتی زیر می‌بینیم:

۱- دستور اعتقاد به یکتایی مطلق خد-ا به ویژه به بنی اسرائیل داده شد؛ چنان چه در تثنیه ۴:۶ آمده: «بشنو ای اسرائیل، خد-وند، خد-ای تو خد-ای یکتاست». مفهوم بیان‌شده در این آیه نه تنها خدای وارگان چندگانه را رد می‌کند، بلکه اعلام می‌دارد که خد-ا تنها وجود حقیقی است. از نظر توره، خد-ا نه فقط بی‌نهایت است، بلکه زمان، مکان و ماده را اعتلا می‌بخشد. خد-ا هیچ آغاز و پایانی ندارد، چنان چه در ישعیا ۴۴:۶ آمده: «من اولین و آخرین هستم و جدا از من هیچ نیست». هرچند یهودیت بر آن است که خد-ا خود را به مخلوق خویش [بشریت] به گونه‌های متفاوت نشان می‌دهد [یک قاضی یا یک حمایتگر]، ولی جوهر خد-ا تقسیم‌ناپذیر

است و از این رو هیچ تمایزی در جوهر او ممکن نیست. آن اوجود مطلق^۱ که می‌تواند زمان و مکان را اعتلا بخشد، نمی‌تواند شامل سه بخش دانسته شود. لحظه‌ای که هر گونه تمایزی از این قبیل را به جوهر خدا نسبت می‌دهیم، یکتایی و وحدت مطلق او را نفی کرده‌ایم.

مسیونری‌ها به خطا می‌روند وقتی می‌گویند که استفاده از واژه عبری «اخاد» به جای «یخد» در سفر تثنیه ۶:۴ نشان از آن است که خدا «وحدت مرکب» است و نه «یکتایی مطلق». آن‌ها می‌گویند که تثلیث [سه انگاری خدا] یک وحدت مرکب است، همانند یک شیء مادی که چندین سویه منفرد دارد؛ برای نمونه، خودکار که مرکب است از جوهر، مواد پلاستیک و فلز. این استدلال غلط است، زیرا یک چنین شیء مادی [دارای چندین سویه منفرد] که در زمان و مکان وجود دارد، نمی‌تواند برای توصیف جوهر خدا به کار رود که اعتلا دهنده همین ابعاد است. ما در دنیای مادی مخلوق خدا زندگی می‌کنیم و شاهد اشیاء فانی محدود به زمان و مکان هستیم. محدودیت ادراک انسانی، می‌تواند ما را به این اشتباه بیندازد که خدا تنها وجود حقیقی نیست. در نتیجه، عددی اساسی لازم است تا رقم درست را تعیین کرده، دیگر رقم‌ها را کنار بگذارد؛ چنان چه در جامعه سلیمان ۸:۴ آمده: «یکی است... و نه دو». تثنیه ۶:۴ با استفاده از رقم "یک" به جای واژه "یکتا" که خدا را تعالی دهنده زمان و مکان می‌داند، نه تنها یگانگی مطلق خدا تأکید، بلکه همه برداشت‌های دیگر نفی می‌گردند.

۲- یهودیان از تصور کردن خدا در "شبهات به هر چیز دیگری" منع شده‌اند. آیه های تثنیه ۱۹-۴:۱۵ و تثنیه ۹-۵:۸ تنها چند منبع در تورا هستند که یهودیان را از این باور که خدا در شکل جسمانی می‌تواند ساکن باشد - آن گونه که در انجیل ادعا می‌شود - منع کرده‌اند.

۳- منع فرض واسط میان انسان و خدا در فرمان دوم از ده فرمان آمده

است: «نباید هیچ خدایان دیگری در برابر من داشته باشی» [خروج ۳:۲۰]. این گفته انجیل یوحنا ۶:۱۴ که «هیچ کس نزد پدر نمی‌آید، مگر به واسطه من [عیسی]»، برای یهودیان قابل پذیرش نیست. حتی اگر فردی، چیزی را بخشی از خدا بداند، اگر یهودی باشد، اجازه استفاده از آن به عنوان واسطه را ندارد. تورا به ما می‌آموزد که هر فرد، قادر به اتصال مستقیم با خداست.

این باورهای مسیحی که ریشه در آیین‌های بت‌پرستی باستان دارند، پایه رد مسیحیت توسط یهودیان بوده‌اند؛ حتی به قیمت از دست دادن جان خود در طول دو هزار سال گذشته. یهودیان در طول تاریخ، همواره این فهم را داشته‌اند که تغییر دین به معنای از دست دادن رابطه خود با خدا-آن گونه که در تورا تشریح شده، می‌باشد.

نتیجه‌گیری

کل جامعه یهودی و چندین گرایش درون مسیحیت این نکته را قبول دارند که جریان‌های "یهودی-مسیحی" بخشی از یهودیت نیستند. این که فردی خود را "یهودی برای عیسی" بداند، همان اندازه بی‌معناست که "مسیحی برای بودا" و همان اندازه مضحک است که "گوشت خوک کاشر"؛ این‌ها تناقض‌های آشکار هستند. گفته یادشده از الیاهو هناوی در بیان دیگر چنین است: اگر یهودی هستید، یهودیت را اجرا کنید. خود را فریب ندهید. نمی‌توانید در آن واحد هر دو باشید.

در واقع، یهودیت زیباترین و از نظر روحانی، تکمیل‌کننده‌ترین راه برای خدمت به خدا با تمام قلب، روح و توانایی فرد یهودی است. کتاب امثال سلیمان ۱۸-۱۷:۳، تورا [تورات] را چنین توصیف می‌کند: «راه‌های او راه‌های دل‌انگیز است و جاده‌های او عین صلح. درخت زندگی است برای آنان که به او متصل باشند». بهترین دفاع در برابر رشد سریع

مسیونری‌ها، تعهد عمیق به یهودیت از راه بررسی سفسطه‌های مسیونری و پاسخ‌های مستدل یهودیت است.

ناجی Messiah از دیدگاه یهودیت

یکی از دلایل ابتدایی ادعای مسیحیت مبنی بر ناجی بودن عیسی این است که ناجی موعود در توراہ پیش‌بینی شده است؛ اما یهودیت همواره باور ناجی بودن عیسی را پس زده است. از آن جا که هدف مسیونرهای "یهودی - مسیحی"، متقاعد ساختن یهودیان به این باور است که عیسی تحقق همان وعدهٔ ظهور ناجی یهود بوده، لازم است که فهم یهودیت از ناجی را شرح دهیم تا دریابیم چرا چنین ادعاهایی به سادگی غلط هستند.

ریشه‌های عبری واژهٔ ناجی Messiah

واژهٔ عبری معادل ناجی، این‌گونه خوانده می‌شود: موشیح. ترجمهٔ لفظی و درست آن «مسح شده» است که اشاره دارد به مراسم مسح و تقدیس کسی توسط روغن مقدس [در کتاب اول سموئل ۲-۱:۱۰]. این واژه در طول متن توراہ در اشاره به انواع افراد و اشیاء به کار می‌رود؛ برای نمونه، یک شاه یهودی [در کتاب اول پادشاهان ۱:۳۹]، یک کاهن یهودی [در لایوان ۳:۴]؛ انبیاء [در یشعیا ۱:۶۱]؛ معبد یهودیان؛ نان و درآمد نکرده [خروج ۹:۴۰ و اعداد ۱۵:۶]؛ و شاهی غیر یهودی [کوروش کبیر پارسی در یشعیا ۱:۴۵].

معیارهای لازم برای ناجی یهودی

در یک ترجمهٔ درست از متون مقدس یهودیان، واژهٔ "موشیح" هرگز به نجات‌دهندهٔ موعود ترجمه نمی‌شود، بلکه برگردان درست آن «مسح شده»

خواهد بود. با این حال، یهودیت همواره به وجود شخصیتی ناجی باور اساسی دارد. از آن جا که مفهوم ناجی توسط خدا-ا به یهودیان داده شده، سنت یهود، بیشترین صلاحیت را در شرح شرایط تأیید ناجی قابل قبول را دارد. این واژه ریشه در چندین منبع توراها دارد که تعدادی از آن‌ها را در زیر نقل می‌کنیم. یهودیت، ناجی را یک فرد انسانی می‌داند [بدون هیچ سوییهای از الوهیت یا خدایی بودن]. این فرد، برخی تغییرها در دنیا پدید خواهد آورد و باید از شرایطی برخوردار باشد تا همچون ناجی پذیرفته شود.

این معیارهای خاص عبارتند از:

- ۱- یهودی باشد [تثنیه ۱۷:۱۵؛ اعداد ۱۷:۲۴]
 - ۲- عضو قبیلهٔ یهودا [پیدایش ۱۰:۴۹] و از اخلاف مستقیم و مذکر داوود پادشاه [کتاب اول تواریخ الایام ۱۷:۱۱؛ مزامیر داوود ۳۸-۲۹:۸۹؛ یرمیا ۳۳:۱۷؛ کتاب دوم شموئل ۱۶-۲:۷] و نیز از اخلاف سلیمان پادشاه [کتاب اول تواریخ الایام ۲۲:۱۰؛ کتاب دوم تواریخ الایام ۷:۱۸] باشد.
 - ۳- یهودیان را از تبعید بیرون آورده به اسرائیل بازگرداند [یشعیا ۲۷:۱۲-۱۳؛ یشعیا ۱۱:۱۲]
 - ۴- معبد یهودیان را در یروشالاییم [اورشلیم] تجدید بنا کند. [میکای نبی ۴:۱]
 - ۵- با خود صلح به همراه بیاورد [یشعیا ۲:۴؛ یشعیا ۱۱:۶؛ میکا ۴:۳].
 - ۶- سراسر دنیا را زیر تأثیر شناخت خدا-ا و خدمت به خدا-ای یگانه درآورد [یشعیا ۱۱:۹؛ یشعیا ۴۰:۵؛ زفانیا ۳:۹]
- تمام این معیارها برای ناجی به بهترین وجه در متن ۲۸-۲۱:۳۷ حزقیال نبی بیان شده‌اند، از این قرار:
- «و خدمتگزار من داوود، پادشاه برای آنان خواهد بود و آن‌ها همگی یک

راهنما خواهند داشت و در راه‌های من گام برداشته، دستورهای مرا نگه داشته، به جا خواهند آورد و در سرزمینی که من به یعقوب خدمتگزارم داده‌ام، خواهد زیست... و من عهد صلح با آنان خواهم بست؛ این عهدی جاودانی خواهد بود و من محرابم را تا ابد در میان آن‌ها برقرار کرده و سکونتگاه من تا ابدالآباد در میان آن‌ها خواهد بود و من خدای آن‌ها خواهم بود و آنان خدمتگزاران من. و ملت‌ها خواهند دانست که من خد-اوند هستم که ایسرائل را تقدیس کرده‌ام برای ابدالآباد» [حزقیال نبی ۳۷:۲۴-۲۸].

اگر فردی در تحقق یکی از شرط‌ها شکست بخورد، نمی‌تواند ناجی [موشیح] باشد.

چرا عیسی نمی‌توانست ناجی موعود یهود به شمار برود؟

بررسی دقیق این معیارها نشان می‌دهد که هرچند عیسی یهودی بود، هیچ یک از ملاک‌های فوق در مورد او صدق نمی‌کرد. بررسی شجره‌نامه متناقض عیسی چندین مانع بر سر راه تحقق شرط دوم پدید می‌آورد. به ویژه انجیل‌ها ادعا دارند که عیسی پدر جسمانی [انسانی] نداشت. متون مقدس یهودیت به روشنی می‌گویند که تبار و وابستگی قومی تنها از راه پدر فیزیکی منتقل می‌شود [اعداد ۱:۱۸؛ یرمیا ۳۳:۱۷]؛ بنابراین، عیسی امکان ندارد که بازماندهٔ قبیلهٔ یهودا یا داوود و سلیمان پادشاه باشد.

مانع‌های دیگری هم در راه اثبات تبار عیسی در انتساب به یوسف، شوهر مریم [مادر عیسی] هست؛ زیرا انجیل‌ها ادعا می‌کنند که یوسف، بازماندهٔ شاه یخونیا است و او در توراه لعنت شده بود که هرگز فرزندی نداشته باشد که «بر تخت داوود نشسته و پس از او بر یهودا فرمان براند» [یرمیا ۲۲:۳۰]. تبار یوسف حتی اگر به عیسی منتقل شده بود، تنها به کار رد صلاحیت عیسی برای ناجی بودن می‌آمد.

سرانجام به مانع جدی تبارشناسی‌های متناقض در فصل اول انجیل متی و انجیل لوقا فصل ۱۳ می‌رسیم. تنها توضیح مسیحیت دربارهٔ تناقض یادشده این است که تبارشناسی فوق در انجیل لوقا به مادر عیسی مریم برمی‌گردد. ولی این امر حتی در نسخهٔ اصلی رسالهٔ خطاب به یونانیان ذکر نشده است. افزون بر این، تأکید شده [در توراها که مورد استناد مسیحیان است] که تبار تنها از پدر می‌رسد و از این نظر هم ادعای فوق، راه به جایی نمی‌برد. حتی اگر می‌شد تبار را از مادر دنبال کرد، مانع دیگری وجود داشت، زیرا انجیل لوقا ۳:۳۱ مریم را از تبار داوود پادشاه از راه ناتان، برادر سلیمان می‌داند و نه خود سلیمان؛ چنانچه در کتاب اول تواریخ الایام ۱۰:۲۲ از متون مقدس یهود، نبوت شده است.

ملاک‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم آشکارا تحقق نیافته‌اند؛ خواه در زمان عیسی و خواه پس از آن. هر ادعای مسیحیت که این ملاک‌ها بعدها در «دور دوم بازگشت عیسی» به وقوع خواهند پیوست، نامربوط هستند؛ زیرا مفهوم یک ناجی که دو بار بیاید، در متون مقدس یهود نیست و هیچ مبنای روحانی ندارد.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که ما نمی‌توانیم کسی را ناجی بدانیم قبل از آن که همهٔ ملاک‌های فوق، در عمل، تحقق یابند.

فهم مسیحی از ناجی و شخص عیسی، تفاوت اساسی با دیدگاه متون مقدس یهود دارد [درحالی‌که یکسره اعتبار خود را از ادعای ریشه گرفتن از توراها کسب می‌کند]. این تفاوت‌ها در نتیجهٔ تأثیر کلیسا در زمان امپراتور کنستانتین و مجمع نیکایه که قطعنامهٔ نیس را در سال ۳۲۵ دوران کنونی تصویب کرد، به وجود آمدند.

ناجی یهود هرگز به معنای یک موضوع پرستش نبوده است. مأموریت و موفقیت اول او آوردن صلح به جهان و لبریز کردن جهان با شناخت و

آگاهی از وجود خدا-ای یکتا خواهد بود.

رد "متون اثباتگر" مسیحیت

فردی هنگام سفر در جنگل متوجه شد که روی درختی دایره‌ای ترسیم شده و تیری درست در مرکز آن نشسته است. چند قدم آن سوتر چندین هدف دیگر مشاهده کرد که تیری درست به مرکز هر یک، اصابت کرده بود. سپس او تیرانداز ماهر را یافت و از او پرسید: «چگونه این قدر مهارت پیدا کرده‌ای که همیشه تیرهایت را در مرکز چشم هدف می‌نشانی؟» تیرانداز پاسخ داد: «من ابتدا تیر را شلیک و سپس دایره و مرکز هدف را دور آن ترسیم می‌کنم!»

هنگام بررسی "متون اثباتگر" مسیحیت که ادعای ناجی بودن عیسی را دارند، باید این پرسش را به میان آوریم: آیا تیری به داخل مرکز هدف پرتاب شده یا بعداً دور تیر پرتاب شده، هدف و مرکز ترسیم شده‌اند؟ به بیان دیگر، آیا این متن بد ترجمه یا نقل شده است؟ آیا خارج از پیش‌زمینه اصیل متن، بازگو شده و یا جعلی و ساختگی است؟ مثال‌های متعدد وجود دارد از انواع راه‌هایی که میسیونری‌ها برای اثبات نظر خود «هدف و مرکز آن را دور تیر پرتاب شده ترسیم می‌کند».

مثال اول:

آیه‌ای جعل و ساخته شده که در متون مقدس عبری ما وجود ندارد.

آسان‌ترین نبوتی که می‌تواند به تحقق بیبوندد، آن نبوتی است که کسی خودش آن را سرهم کرده باشد. انجیل بی‌تردید، مثال بارز این اصل است که شماری از "نبوت‌ها" را به طور قلبی و بدون هیچ پشتوانه‌ای جعل

کرده و آن‌ها را به متون مقدس عبری ما نسبت داده است. انجیل متی ادعا دارد که عیسی ناجی بود، زیرا در شهر ناصریه می‌زیست. انجیل، "متن اثباتگر" زیر را برای اثبات نظر خود می‌آورد:

«او آمد و در شهری به نام ناصریه ساکن شد تا آن چه انبیاء نبوت کرده بودند به اثبات برسد. او [ناجی] را باید یک ناصری نامید» [انجیل متی ۲:۲۳].

چون یک ناصری کسی است که ساکن شهر ناصریه به شمار برود و این شهر در دوران تورا و انبیاء وجود نداشت، ممکن نیست که نقل‌قولی پیرامون آن در متون مقدس عبری یافت شود.

مثال دوم

آیه‌ای با ترجمه غلط ارائه می‌شود

مسیونری‌های کارکشته از متون انگلیسی خام و باز ترجمه شده از برگردان‌های غلط یونانی، نقل‌قول آورده و از رجوع به متن اصیل عبری آن‌ها گریز می‌زنند.

در رومیان ۱۱:۲۶ از مجموعه انجیل‌ها، از یسعیا نبی نقل می‌شود که: «ناجی از صیون آمده، بی‌خدایی را از خاندان یعقوب دور خواهد کرد» و به این ترتیب، با استناد به متن مقدس عبری، تلاش دارند در یافتن اثبات باور مسیحی به یک ناجی که گناهان ما را می‌شوید. ولی بررسی دقیق متن اصیل عبری، یک اشتباه بزرگ را برملا می‌سازد. یسعیا ۵۹:۲۰ درست برعکس این مفهوم را بیان می‌کند: «یک ناجی به صیون خواهد آمد به سوی آنان که از سرپیچی از خاندان یعقوب دست کشیده، اعتقاد به خدا را اعلام می‌کنند». نقش ناجی این نیست که گناهان ما را بشوید؛ بلکه وقتی از گناهان خود دوری بجوییم است که ناجی ظهور می‌کند!

شایان گفتن است که بسیاری از نسخه‌های انجیل، این آیه را در فصل
یشعیای نبی درست ترجمه می‌کنند، ولی در رسالهٔ رومیان ترجمهٔ غلط را
می‌آورند!

مثال سوم

متن، غلط ترجمه و خارج از پیش‌زمینهٔ اصیل آن نقل شده است

انجیل متی ۲۳-۲۲:۱ در تلاش برای اثبات باکره بودن مریم می‌آورد:
«وقتی چنین شود، کلام نبوت انبیاء از قول خدا، تحقق خواهد یافت که
گفته‌اند: اینک باکره‌ای آبستن شده و پسری خواهد آورد و آن‌ها نام او را
امانوئل خواهد گذاشت، به معنای "خدا با ماست"». میسیونری‌ها ادعا
دارند عیسی تحقق نبوتی است که در یسعیا ۷:۱۴ آمده است. ولی متن
اصیل عبری چنین خوانده می‌شود: «اینک زن جوانی آبستن شده، پسری
خواهد زاید و او را امانوئل خواهد نامید».

خطاهای بسیاری در ترجمه‌های مسیحی وجود دارند. برای نمونه:

۱- واژهٔ عبری "آلما" به معنای زن جوان و نه باکره. این موضوع را
محققان متن عبری تورا و کتب انبیاء گوشزد کرده‌اند. برخی از
میسیونری‌ها می‌گویند که در ترجمه‌ای قدیمی از تورا به نام
"Septuagint" یا ترجمهٔ هفتاد ربی بزرگ، واژهٔ "آلما" به یونانی
parthenos ترجمه شده که معنای باکره می‌دهد. این ادعا دروغ است به
چند دلیل: الف) ۷۰ تن ربی‌ها اصلاً به ترجمهٔ کتاب یسعیا دست نزنده،
تنها پنج کتاب موسی را ترجمه کردند. در واقع، مقدمهٔ ترجمهٔ انگلیسی
نسخهٔ هفتاد ربی "Septuagint" دربارهٔ این ترجمه می‌گوید: «بهترین کار
ترجمه روی پنج کتاب موسی انجام شده است، درحالی‌که کتاب یسعیا
[که ترجمهٔ یونانی دیگری از آن در این مجلد آمده] به نظر بدترین ترجمهٔ

یونانی می‌آید. ب) در ترجمه یونانی هفتاد ربی در پیدایش ۳-۲:۳۴ واژه "parthenos" در ارتباط با یک دختر غیرباکره یعنی دختر جوانی که مورد تجاوز قرار گرفته به کار می‌رود. ج) سراسر نقل قول‌های میسیونری‌ها از متن "Septuagint"، برگرفته از نسخه اصل به‌جامانده از آن زمان نیست، بلکه از نسخه‌ای مخدوش و متعلق به زمان‌های بعد است.

۲- آیه می‌گوید: ha'almah به معنای "آن زن جوان" و نه یک زن جوان و به این معنا که اشاره یسعیا به زن جوان خاصی است که در همان زمان خود، می‌شناخته است.

۳- آیه یسعیا می‌گوید: «آن زن او را امانوئل خواهد نامید» و نه دیگران. حتی جدا از این خطاهای فاحش، با خواندن باب ۷ یسعیا که آیه از آن گرفته شده، آشکار می‌شود که مسیحیان این آیه را خارج از پیش‌زمینه اصیل آن نقل می‌کنند.

این باب از یسعیا پیرامون نبوتی است خطاب به شاه آحاز برای فرونشاندن ترس او از حمله دو شاه دمشق و سامره. این شاهان حدود ششصد سال پیش از تولد عیسی آماده حمله به اورشلیم می‌شدند. منظور یسعیا آن است که این رویدادها در زمان بسیار نزدیکی اتفاق خواهند افتاد و نه ششصد سال بعد به ادعای مسیحیان. آیه ۱۶ از این باب، موضوع را یکسره روشن می‌سازد:

«زیرا وقتی آن پسر به اندازه‌ای عقل رس شود که انگیزش شر را از خود دور کرده و راه خیر در پیش بگیرد، سرزمین‌هایی که تو از دو پادشاه آن‌ها بیمناک هستی، متروک خواهند شد.»

در واقع، در باب پس از آن، با تولد پسر یسعیا این نبوت به تحقق می‌پیوندد. چنان چه در یسعیا ۸:۴ می‌آید: «زیرا پیش از آن که نوزاد بتواند صدا بزند: "پدرم و مادرم"، اغنیای دمشق و نازپروردگان سامره در

مقابل شاه آشور از پای درخواهند آمد». متن این آیه یکسره هر گونه ارتباط محتوای خود با عیسی را که ششصد سال بعد به دنیا آمد، ناممکن می‌سازد.

مثال چهارم

آیه‌ای که در بررسی پیش‌زمینه اصلی، نمی‌تواند اشاره به عیسی باشد

در رسالهٔ *عبرانیان* ۱:۵ در انجیل، آیه‌ای از کتاب دوم سموئیل یعنی ۷:۱۴ نقل شده از این قرار: «من پدری برای او خواهم بود و او برای من پسری». به ادعای مسیحیان این اشاره‌ای به عیسی همچون پسر خداست. ولی با نگاهی به کل متن از کتاب دوم سموئیل ۷:۱۴، آیه با آن جمله نقل شده در انجیل پایان نمی‌یابد، بلکه در ادامه چنین است: «چون گناه بورزد، او را با چوب انسان‌ها تصحیح خواهم کرد». این محتوا به هیچ رو نمی‌تواند با دیدگاه مسیحی "عیسای برکنار از گناه" جور دربیاید. افزون بر این، آیه به طور مشخص، دربارهٔ شاه سلیمان است، زیرا آشکارا از کتاب اول تواریخ الایام ۱۰-۹:۲۲ گرفته شده: «نام او سلیمان خواهد بود. او خانه‌ای برای نام من بنا خواهد کرد و من پدری برای او خواهم بود و او برای من پسری».

در توراه و کتب انبیاء بارها به افرادی همچون پسر خدا اشاره می‌شود. در واقع، خداوند در آیهٔ زیر، کل جماعت ایمانی اسرائیل را «پسر خدا» می‌نامد:

«اسرائیل پسر من است، فرزند اول زاد من» [خروج ۴:۲۲].

خلاصه

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که میسیونری‌ها پس از پرتاب تیر، دایره و

هدف را دور آن ترسیم می‌کنند و به این ترتیب، چه سردرگمی‌هایی که دامن می‌زنند. توصیه ما این است که همواره با صرف وقت، نقل قول‌های آن‌ها [از متون توراتی] به سنجش گذاشته شوند. اگر این توصیه را دنبال کنید، تفسیر درست، بس روشن خواهد بود.

راه‌حل‌های عملی برای معضل فرقه‌ها و میسیونری

برای کوتاه کردن دست میسیونری‌ها از تغییر دین دادن یهودیان و مقابله با تلاش‌های آن‌ها که تا کنون از موفقیت‌هایی برخوردار بوده، به میان آوردن پرسش‌های زیر و پاسخ‌های مربوط، قویاً توصیه می‌شود:

پرسش: آیا یهودیان می‌توانند با انجام اقداماتی، خود و خانواده‌های خویش را در برابر اوانجلیست‌ها و مأموران یارگیری فرقه‌ها مصون سازند؟

پاسخ: همان‌گونه که در بسیاری از سطوح زندگی صادق است، پیشگیری از خانه آغاز می‌شود. یهودی بودن یک خانه یهودی باید احساس شود. والدین می‌توانند حال و هوای خانه را از روی مثال و سرمشق خود تعیین کنند: از راه مطالعه منابع معتبر یهودیت و رعایت رسوم، سنت‌ها و معناها به هر شکل که خود با آن راحت هستند. آموزش رسمی یهودیت، ضرورت دارد. والدینی که نمی‌توانند به پرسش‌های ممکن هر کودکی پیرامون دین پاسخ گویند، به طور غیرعمد به جوان‌ترهای خانواده این‌گونه القا می‌کنند که چنین شناختی در عمل، اهمیت ندارد.

بسیار خطرناک است انتقال این احساس به یک کودک که یهودیت دین راحتی بوده و هرکس می‌تواند از میان دستورها برای خود گزینش کند. این موضوع ممکن است کودک را با این تصور به جا بگذارد که کارهای دینی او هیچ نتیجه‌ای به دنبال نداشته، یهودیت هم ریاکارانه است و هم

خالی از محتوای روحانی.

کودکان، خود را از روی مدل پدر و مادر شکل داده، رفتارها و اغلب برخوردهای آنان را مانند آینه بازتاب می‌دهند. والدینی که رفتار آنها فریاد می‌زند: «آن چه من می‌گویم را انجام بده و نه آن چه انجام می‌دهم»، فرزندان خود را در موقعیت بدی قرار می‌دهند.

والدین باید ارتباط گیری باز با فرزندان خود داشته باشند، خواه پسران و دختران آنها در مدرسه ابتدایی، دبیرستان یا کالج بوده و خواه مستقل زندگی کرده یا مزدوج باشند. بهترین حالت، آن است که فرزندان هر موضوعی را با والدین در میان بگذارند. برقراری چنین ارتباطی در سال‌های شکل‌گیری کودکان، بخش مهمی از تضمین گفتگویی خالی از حکم صادر کردن در سراسر زندگی آنان بوده، در شرایط دشوار و احتمالی آینده، به آنها کمک خواهد کرد.

ارتباط گیری باز، همان قدر مهم است که والدین عشق خود به فرزندانشان را به زبان آورده، نشان دهند. من یهودیان بسیاری را مشورت داده‌ام که گفته‌اند: «خانواده من هرگز به من اهمیت نمی‌دادند؛ پس چرا حالا مزاحم من می‌شوند؟»

پرسش: چگونه والدینی بداند که پسر و دخترش در معرض خطر تبلیغات میسیونری‌ها قرار دارد؟

پاسخ: والدین ممکن است اعلامیه‌ها، جلد‌های انجیل یا جواهراتی پیدا کنند که نشان از گروه خاصی داشته باشند و یا اسناد تبلیغاتی دین دیگری را نزد فرزندان کشف کنند. گاهی فرزند دختر یا پسر، یک سرخ‌گفتاری به دست والدین می‌دهد، مانند: «ما باید رستگار شویم» یا «من در حال رستگاری هستم، وگرنه به جهنم می‌روم». امکان دارد فرزند بحثی را

باز کرده، بگوید: «آیا می‌دانی که عهد جدید [انجیل‌ها] یا کتاب دیگری چنین و چنان می‌گوید؟»

همان‌گونه که حس غریزی والدین می‌تواند یک بیماری را پیش از بروز نشانه‌های آن تشخیص دهد، همان‌گونه هم قادر به ردیابی یک بیماری روحانی است.

زمان‌هایی سرنخ‌ها در لابه‌لای اشاره‌ها پنهان هستند، مانند: «چرا یهودیت دربارهٔ زندگی پس از مرگ چیزی نمی‌گوید و یا دربارهٔ بهشت و جهنم؟» در این جا والدین نه تنها باید پیام نهفته را دریابند، بلکه باید قادر به دادن یک پاسخ مؤثر باشند.

والدین وقتی ناتوان یا نامطمئن از حل اختلاف بر سر دین با فرزندان خود هستند، باید موضوع را با یک ربای در میان بگذارند. این احتمالاً بهترین روش عملی است برای برخورد با فرزندی که چنین می‌پرسد: «از کجا بدانیم که یهودیت دین درست است؟» ولی به یاد بسپارید که همهٔ ربای‌ها در برخورد با مسائل مربوط به فرقه‌ها یا میسیونری با تجربه نیستند. از این رو توصیه می‌شود به افراد خبره در این زمینه مراجعه شود؛ از جمله به مشاوران دوره‌دیدهٔ Jews for Judaism که سراسر دنیا سفر کرده و خدمات مشورتی موفق ارائه می‌دهند.

پرسش: آیا فردی که این‌گونه پرسش‌ها را مطرح می‌کند، مورد توهین قرار نمی‌گیرد یا در اثر فشار و تأکید مطلق بر روی یهودیت، دچار احساس تحقیر نمی‌شود؟

پاسخ: شاید. به یاد داشته باشید که با این حال، تقریباً همهٔ انسان‌ها پاسخ‌های منطقی و موجه را دوست دارند. وقتی ارتباط‌گیری باز و صادقانه است، همه قادر به تصمیم‌گیری سنجیده و از روی مطالعه هستند.

تصمیم پیوستن به یک فرقه و یا تغییر دین، یک شبهه یا بر پایه یک پرسش انجام نمی‌شود.

پرسش: چه کار باید کرد اگر همه این پیشگیری‌ها بسیار دیر اجرا شوند و پسر یا دختر شما به فرقه‌ها یا کلیسا بپیوندند؟

پاسخ: مهم این است که توصیه‌های زیر را رعایت کنید: دچار شوک وحشت نشوید؛ از خشم به حالت انفجاری نرسید؛ سرزنش نکنید؛ قدیش [دعای مردگان] را برای او نخوانید؛ و فرد تغییر دین داده را از خود یا گفتگو با خود نرانید. یک رفتار سنجیده و آرام که همراه باشد با مجراهای باز ارتباطی که پیرامون آن گفتیم، اغلب شروع گفتگو را آسان می‌کند. گفتگو اولین گام است برای متقاعد ساختن فرد به تجدید نظر در دین یا فرقه جدیدی که در پیش گرفته است.

اگر والدین یا اعضای اصلی خانواده با برخوردی فعال به حرف‌های فرد تغییر دین داده گوش بسپارند، او ممکن است با رضایت، آماده در میان گذاشتن انگیزه یا دلایل خود بشود. چنین گفتگویی با مشاوران و ربای‌های دوره‌دیده سازمان Jews for Judaism ممکن است منجر به بررسی نکته به نکته عدم صلاحیت دین جدید و درک این امر بشود که یهودیت، بهترین دین برای یهودیان است.

پرسش: ولی اگر خانواده در حال سوختن در آتش خشم و شرمندگی باشد، چه کار باید کرد؟ چه باید کرد اگر اعضای خانواده فرد تغییر دین داده را طرد نمایند؟

پاسخ: اگر نزاع درگیرد، گفتگو دشوار یا ناممکن می‌شود. وارد دعوا شدن به احتمال زیاد دو طرف را در دو صف متخاصم قرار داده، فضایی دشمنانه

پدید می‌آورد که طی آن تبادل سازندهٔ احساس‌ها و باورها ناممکن می‌شود. باید دانست که باورهای فرد تازه تغییر دین داده برای خود او مانند هر فرد دیگری واقعی و درست هستند. یک اتهام مانند «تو به خطا رفته‌ای» می‌تواند برای چنین کسی توهین به عقل او محسوب شود.

پرسش: برخورد مناسب برای چنین خانواده‌ای کدام است؟

پاسخ: افراد خانواده باید با در نظر گرفتن همهٔ جوانب موضوع، هر کاری برای متقاعد ساختن چنین فردی انجام داده، از منابع خارجی کمک بگیرند. این افراد همان‌گونه که هنگام انتخاب شغل، همسر و محل سکونت، گزینه‌های متفاوتی را بررسی می‌کنند، باید حداقل، گزینه‌های یهودیت را در مقابله با این فرقه‌ها یا دین دیگری که به آن پیوسته‌اند، جویا شوند. فردی که برای خانواده یا مشاوران حرفه‌ای، درهای دل خود را باز کند، می‌تواند در این زمینه شاهد موفقیت‌هایی بشود.

پرسش: آیا این بدان معناست که افراد خانواده باید رسوم و مناسک یک دین دیگر را در خانهٔ خود بپذیرند؟

پاسخ: نه به هیچ‌وجه. اگر خانواده برای پرهیز از جدال با تصمیم فرد تغییر دین داده مدارا می‌کند، او نیز باید به خواسته‌های خانواده احترام بگذارد. او دین بیگانه را باید در محل خاص آن، خواه کلیسا و خواه معبد یا منزل شخصی خودش اجرا کند. چنین سامانی، همچنین، امکان ایجاد فضای ارتباطی بازتر و میل فرد تغییر دین داده و خانوادهٔ او به ملاقات با مشاوران کارشناس را تقویت می‌کند.

قائل شدن حق اشتباه معصومانه برای هر فرد، امر بسیار مهمی است. کار

ما این است که به دقت به فرد تغییر دین داده کمک کنیم تا دریابد تصمیم او برای در پیش گرفتن یک دین دیگر، هم از نظر عقلانی و هم عاطفی اشتباه بوده است. ما بخشی از هدف فوق را با نشان دادن این امر که یهودیت چیست انجام می‌دهیم و نه فقط با رد یا نفی دیدگاه جدید او.

پرسش: اگر همه این کارها بی‌تأثیر باشد چه کار باید کرد؟ آیا آن فرد برای همیشه از یهودیت دور شده است؟

پاسخ: مطلقاً نه! افراد فعال سازمان ما در زمینه بازگرداندن این افراد، می‌توانند صدها داستان حقیقی از افرادی را بازگو کنند که سال‌ها در مسیحیت و فرقه‌ها باقی ماندند و سرانجام به یهودیت بازگشتند. از این رو بسیار مهم است که مجرای ارتباطی را باز نگه داشته و خود نمونه مثبتی از آموزه‌های یهودیت باشیم. خانواده، همواره خانواده باقی می‌ماند و اختلاف در باور و ایمان، یک عمر رابطه عاطفی و خونی را از میان نمی‌برد. هیچ‌گاه نباید امید خود را از دست بدهید که آن فرد به یهودیت بازخواهد گشت.

اگر مایل به دریافت اطلاعات بیشتر، گرفتن وقت ملاقات با یک سخنگو و یا برقراری یک جلسه مشورتی هستید، لطفاً با هر یک از دفترهای Jews for Judaism تماس بگیرید:

تماس با خط اضطراری سازمان

Jews for Judaism

Hot Line: 800-477-6631

info@jewsforjudaism.org

سیزده اصل ایمان

أَنِي مَيِّمِينَ ۱۲:۲۶: "من ایمان دارم"

تدوین ربی مشه بن مایمون - هارامبام

- ۱- ایمان دارم به وجود آفریدگار متعال که از هر حیث، وجودی در کمال و علت اول همه موجودها می باشد.
- ۲- ایمان دارم به یکتایی مطلق و بی شریک خد-اوند.
- ۳- ایمان دارم به عدم جسمانیت خد-اوند و این که هیچ رخداد مادی، مانند حرکت، استراحت یا سکونت، قابل انتساب به او نیست.
- ۴- ایمان دارم به ازلی و ابدی بودن خد-اوند.
- ۵- ایمان دارم که منحصرأ خداوند یکتا، سزاوار پرستش است و نه هیچ خدای واره بیگانه و دروغینی.
- ۶- ایمان دارم که خد-اوند از راه نبوت با انسان ارتباط می گیرد.
- ۷- ایمان دارم به این که مشه ربنو برترین از میان انبیاء است.
- ۸- ایمان دارم به منشأ الهی توره.
- ۹- ایمان دارم به تغییرناپذیری توره.
- ۱۰- ایمان دارم به همه دانا بودن خداوند و به عنایت و نظارت الهی.
- ۱۱- ایمان دارم به پاداش و مکافات الهی.
- ۱۲- ایمان دارم به ماشیح و فرارسیدن دوران ماشیح.
- ۱۳- ایمان دارم به رستاخیز مردگان

به نقل از شرحی بر *دلالت الحائرين*، نوشته شیرین دخت دقیقیان. انتشارات بنیاد ایرانی هارامبام، ۲۰۱۲، ایالات متحده.

توضیح مترجم: ربی مشه بن مایمون، برخلاف اصول جزمی که قبول بی استدلال آن ها از پیروان خواسته می شود، برای یکایک این سیزده اصل ایمانی یهودیت، در اثر خود به نام *دلالت الحائرين* یا به فارسی *راهنمای سرگشتگان*، استدلال های عقلانی، نظری، علمی و هرمنوتیک یا وابسته به تفسیر متن مقدس می آورد.

Suggested Readings in Persian Language

Publications, Cultural Productions & Programs of
Persian Maimonides Foundation

فهرست پیشنهادی مطالعات یهودیت به زبان فارسی

انتشارات، محصولات فرهنگی و برنامه‌های بنیاد ایرانی
هارامبام به زبان‌های فارسی و انگلیسی:

انتشارات:

- * ربی مشه بن مایمون (ابن مایمون). راهنمای سرگشتگان [موره
هنووخیم یا دلالت الحائین]؛ شارح و مترجم شیرین دخت
دقیقیان. در سه جلد؛ ۲۰۱۲، ایالات متحده، Persian
Maimonides Foundation
- * ربی مشه بن مایمون (ابن مایمون). کتاب شناخت [جلد اول
میشنه تورا]؛ شارح و مترجم شیرین دخت دقیقیان. در سه
جلد؛ ۲۰۱۲، ایالات متحده، Persian Maimonides Foundation
- * دقیقیان، شیرین دخت. پیشدرآمدی تاریخی و مفهومی بر تلمود،
۲۰۱۳، ایالات متحده، Persian Maimonides Foundation

* دقیقیان، شیرین دخت. شرحی بر دلالت الحائرین، ۲۰۱۲،
ایالات متحده، Persian Maimonides Foundation

کلاس‌های فلسفه یهود و حکمت قبالا:

کافه رامبام، کلاس‌های هفتگی فلسفه و حکمت قبالا از سوی بنیاد ایرانی هارامبام به تدریس فیلسوف ایرانی/یهودی، شیرین دخت دقیقیان، به زبان فارسی. برای شرکت در کافه رامبام با عضو بورد بنیاد و هماهنگ‌کننده کلاس‌ها، خانم فروغ معنوی، تماس حاصل کنید: ۴۷۲-۶۵۳۵-۳۱۰

سمینارهای ماهانه به زبان انگلیسی برای جوانان:

فرزندان جوان خود را به عضویت در صفحه فیس‌بوک جوانان کافه رامبام و شرکت در سمینارهای جوانان به زبان انگلیسی در زمینه‌های روانشناسی، فلسفه و آموزه‌های معنویت یهود و علوم روز تشویق فرمایید. نام صفحه فیس‌بوک:

CafeRambam PersianMaimonidesfoundation

سمینارهای فصلی به زبان فارسی برای همگان:

سمینارهای کافه رامبام به زبان فارسی در زمینه‌های فلسفه جهانی، فیلسوفان مدرن یهودی و معنویت و اخلاق با حضور سخنرانانی مشهور و معتبر از جامعه ایرانی بزرگ‌تر و جامعه ایرانی-یهودی و با شرکت صدها تن به صورت فصلی اجرا و در رسانه‌های همگانی و کنیساها اعلام می‌شود.

CD - DVD های سمینارهای کافه رامبام به فارسی و انگلیسی:

محصولات شنیداری و دیداری بنیاد ایرانی هارامبام در سمینارها به جوانان هدیه داده می‌شوند:

- دی‌وی‌دی سمینار فلسفه جهانی و الهیات یهود پس از هالاکاست، به زبان فارسی ۲۰۱۲. سخنرانان: راو داوید شوفط؛ راو سلیمان حکاکیان؛ پروفیسور رامین جهاننگلو؛ شیرین دخت دقیقیان؛ محمد ارسی.

- سی‌دی سخنرانی ربای یدیدیا شوفط در سمینار جوانان کافه رامبام به زبان انگلیسی: Love at First or Second Sight?

- دی‌وی‌دی سمینار کافه رامبام به زبان انگلیسی:

From Break Up to Break Through سخنرانان: دکتر دوریت

میلر؛ دکتر دانیل صدیق؛ و ربای یدیدیا شوفط

- دی‌وی‌دی سمینار کافه رامبام، زبان انگلیسی: Healthy Relationship

سخنرانان: دکتر نهضت فرنودی؛ دکتر دانیل صدیق؛ دکتر شهروز

نعیم؛ و ربای یدیدیا شوفط

* برای تهیه محصولات شنیداری و دیداری بنیاد ایرانی هارامبام با این شماره تماس

بگیرید: ۴۷۲-۶۵۳۵-۳۱۰

تارنمای بنیاد ایرانی هارامبام:

برای گوش دادن و تماشای برخی از برنامه‌های بنیاد ایرانی هارامبام و

اطلاع از رویدادهای این بنیاد به تارنمای زیر مراجعه فرمایید:

www.persian-maimonides.org

منابع پیشنهادی سازمان
Jews for Judaism, International
به زبان انگلیسی:

1. Baigent, Michael and Leigh, Richard. *The Dead Sea Scrolls Deception*. New York: Touchstone, 1991.
2. Berger, David, and Wyschograd, Michael. *Jews and Jewish Christianity*. New York: Ktav, 1978.
3. Bleich, David J. *With Perfect Faith*. New York: Ktav, 1983. Excellent work on the Thirteen Foundations of Jewish faith.
4. Clorfene, Chaim and Rogalsky, Yakov. *The Path of the Righteous Gentile*. Southfield, MI: Targum Press, 1987. An in-depth and practical analysis of the Seven Laws of the Children of Noah, the moral standards for the non-Jewish world.
5. Conway, Flo, and Siegelman, Jim. *Holy Terror*. Garden City: Doubleday, 1982.
6. Hay, Malcolm. *The Roots of Christian Anti-Semitism*. New York: Freedom Library Press, 1981.
7. Kaplan, Aryeh. *If You Were G-d*. New York: NCSY/Orthodox Union, 1983.
8. Kaplan, Aryeh. *The Infinite Light*. New York: NCSY/Orthodox Union, 1981.
9. Kaplan, Aryeh. *The Real Messiah*. New York: NCSY/Orthodox Union, 1976.

An excellent overview of the missionary phenomenon. Though not a comprehensive work, this book is a good starter for those desiring to understand the issues involved.

10. Maccoby, Hyam. *The Mythmaker - Paul and the Invention of Christianity*. San Francisco: Harper & Row, 1986.

11. Prager, Dennis and Telushkin, Joseph. *Why The Jews*. New York: Simon & Schuster, 1983. An excellent overview of the reasons for anti-Semitism.

12. Sargent, William. *Battle for the Mind*. Baltimore, MD: ISHK/Malor, rev 1997.

13. Sigal, Gerald. *The Jew and the Christian Missionary, A Jewish Response to Missionary Christianity*. New York: Ktav, 1981. The approach and material in Sigal's book make it one of the best source books for anti-missionary training. The scholarship contained in these pages is worth mastering.

14. Twerski, Abraham. *Living Each Day*. New York: Mesorah, 1988.

برخی منابع پیشنهادی دیگر به زبان فارسی:

آرام، همایون. عیسی ناصری، مسیح موعود؟ ۲۰۱۲ ایالات متحده، شرکت کتاب.
ابرامی، هوشنگ. در جستجوی حقیقت، ۲۰۰۱، ایالات متحده، بنیاد حبیب لوی.
دقیقیان، شیرین دخت. نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود، ۲۰۰۰، تهران، نشر ویدا

THE COUNTER-MISSIONARY HANDBOOK

By Rabbi Bentzion Kravitz

Translation to Persian: Shirin D. Daghighian

Publisher: JEWS FOR JUDAISM, International

First Persian Edition

4000 copies

Fall 2013

Bay Printing

Copyright 2013 © JEWS FOR JUDAISM, International

www.jewsforjudaism.org

THE COUNTER-MISSIONARY HANDBOOK

By Rabbi Bentzion Kravitz

Founding Director of
JEWS FOR JUDAISM, International

Translation to Persian:
Shirin D. Daghighian

First Persian Edition

Fall 2013

Publisher:
JEWS FOR JUDAISM, International